شیوه‌های تکریم زنان و دختران در سیره پیامبر اکرم(ص)

سیدکاظم فلاح زاده

با ظهور اسلام، تحولاتی از جانب رسول خدا(صلی‌الله علیه و آله) در راستای شناخت جایگاه و احیای حقوق زنان ایجاد گردید و بستری فراهم شد تا زنان از یک عنصر بی‌اختیار به یک عنصر پرارزش و نقش‌آفرین تبدیل شوند.

زنان و دختران در دوران جاهلیت از کمترین حقوق و مزایا برخوردار بودند و جامعه عرب هیچ‌گونه استقلالی برای آنها قائل نبود. به‌گونه‌ای که زنان از ارث محروم بودند، یا اینکه مردان بدون هیچ قید و شرطی حق طلاق داشتند و هیچ‌گونه محدودیتی در تعدد زوجات برای آنها وجود نداشت.

حقوق زنان و دختران به قدری در جامعه جاهلی تنزل یافته بود که از فرزندان دختر بیزار بودند تا جایی که از زنده‌به‌گور کردن دختران ابایی نداشتند.[۱]

با ظهور اسلام، تحولاتی از جانب رسول خدا(صلی‌الله علیه و آله) در راستای شناخت جایگاه و احیای حقوق زنان ایجاد گردید و بستری فراهم شد تا زنان از یک عنصر بی‌اختیار به یک عنصر پرارزش و نقش‌آفرین تبدیل شوند. شناخت حقوق و تکریم دختران و زنان یکی از محورهایی بود که رسول خدا در دوران نبوتشان به آن اهتمام داشتند. بر این اساس شیوه آن حضرت در جهت تکریم دختران و زنان را می‌توان از این قرار دانست:

۱. توجه به حقوق مادی و معنوی زنان

پیامبر اسلام در راستای احیای حقوق زنان، ابتدا تمام رسوم جاهلی را کنار گذاشت و به حکم اسلام حقوقی برای زنان، مانند مهریه، نفقه، ارث و دیه توسط ایشان در نظر گرفته شد.[۲] همچنین احساس آزادی و استقلال به زنان داده شد تا جایی که در انتخاب همسر آزاد گذاشته شدند و پدران از اجبار دخترانشان به انتخاب همسر نهی شدند.[۳]

مبارزه با هرگونه خشونت علیه دختران[۴] و زنان[۵] را نیز می‌توان از دیگر اقدامات رسول خدا به حساب آورد.

۲. استفاده از زنان در امور اجتماعی و سیاسی

رسول خدا(ص) در مسائل اجتماعی و سیاسی نیز برای زنان، شخصیت مستقل حقوقی قائل بودند؛ چنان که در تمامی فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی دوران پیامبر حضور چشمگیری در جامعه داشتند؛ از جمله فعالیت‌هایی که می‌توان از حضور زنان در صدر اسلام یاد کرد عبارت است از:

الف) بیعت گرفتن از زنان

حضور زنان در بیعت‌ها نشان از احترام پیامبر به حقوق و مقام زنان در حوزه عمومی دارد. بنا بر گزارش‌های تاریخی، در بیعت‌هایی چون بیعت عقبه[۶] صلح حدیبیه، فتح مکه، زنان پابه‌پای مردان با پیامبر بیعت می‌کردند[۷] تا جایی که خداوند در سوره ممتحنه به بیعت زنان مؤمنه اشاره کرده است.[۸]

ب) مشارکت و حضور زنان در جنگ‌ها

رسول خدا نه تنها زنان را در جنگ‌ها شرکت می‌داد، بلکه برای زنان حاضر در نبردها غنائمی در نظر گرفته می‌شد؛ چنان که در نبرد خیبر به هر زن حاضر سهم یک مرد، تعلق گرفت.[۹]

علاوه بر اینکه زنان در جنگ‌ها حاضر می‌شدند گاهی فعالیت‌هایی به آنان واگذار می‌شد؛ از جمله پرستاری و درمان مجروحان جنگی؛ گویا برخی زنان در صحنه نبرد حاضر شده و به پانسمان کردن جراحت رزمندگان می‌پرداختند.[۱۰]

جمع‌آوری تیرها و رساندن آنها به دست رزمندگان، از دیگر کارهای زنان در جنگ‌ها بود.[۱۱] همچنین آن‌ها در حمل اجساد شهدا سهیم بودند؛[۱۲] برخی از زنان حاضر در نبردها نیز برای رزمندگان آب و نان حمل کرده و یا آشپزی می‌کردند.[۱۳]

ج) مشورت با زنان

رسول خدا در سخنان خود بر مشورت با زنان تأکید داشتند و در برخی از مسائل خانوادگی مانند ازدواج، به مشورت با زنان فرمان می‌دادند.[۱۴] حتی گزارش‌هایی از مشورت خود رسول اکرم با زنان در سیره عملی ایشان وجود دارد.[۱۵]

۳. معرفی جایگاه و منزلت دختران در کلام رسول خدا

اعتقاد به کرامت زنان، یکی از آموزه‌هایی است که مکرر در سخنان پیامبر دیده می‌شود. ایشان از دختران با تعابیری چون گلی از گل‌های بهشت[۱۶]، درهای رحمت خدا[۱۷]، لطیف و مهربان، یار و مددکار، مونس و همدم، مبارک و پر خیر، اهل نظافت و پاکیزگی[۱۸] یاد کرده و پاداش و اجر پدران دختردار را گوشزد می‌کردند.[۱۹]

توصیه به هدیه دادن و خوشحال کردن دختران از دیگر مواردی بود که ایشان بدان سفارش داشتند.[۲۰]

در باب همسرداری نیز رسول خدا مردان را به تعامل و سازگاری با همسرانشان دعوت کرده و نقش زنان و جایگاه آنان در خانواده را برای مردان تبیین می‌کردند تا جایی که ایشان زحمات زنان در خانه را برابر با جهاد در خدا می‌دانستند.[۲۱]

۴. معرفی جایگاه دختران و زنان در سیره عملی رسول خدا

پیامبر اعظم(ع) در سیره عملی‌شان نیز توجه ویژه‌ای به جایگاه دختران و زنان داشتند. تا جایی که در برخورد با دخترشان فاطمه(س) همه را حیرت‌زده می‌کردند.[۲۲]

زمانی که پیامبر عازم سفر بودند، حضرت فاطمه آخرین کسی بود که پیامبر با او خداحافظی می‌کردند و در بازگشت نیز زودتر از هرکسی به دیدن او می‌رفتند؛[۲۳] یا اینکه ایشان بارها با جملات محبت‌آمیزی نسبت به دخترشان ابراز علاقه کردند؛ بنابراین رسول خدا در برخورد عملی با دختر خود، علاوه بر شناساندن مقام و عظمت اهل بیت، به تمامی جامعه ثابت کردند که در اسلام دختران و زنان از کرامت و جایگاه والایی برخوردار هستند.



رسول خدا در سخنان خود بر مشورت با زنان تأکید داشتند و در برخی از مسائل خانوادگی مانند ازدواج، به مشورت با زنان فرمان می‌دادند. حتی گزارش‌هایی از مشورت خود رسول اکرم با زنان در سیره عملی ایشان وجود دارد.

رسول خدا با همسران خود با عطوفت و عدالت رفتار می‌کردند و هیچ‌گاه مقام نبوت سبب نمی‌شد تا میان ایشان و همسرانشان سد و مانعی ایجاد شود؛ مثلاً در سفرها برای همسران هدیه می‌خریدند؛[۲۴] یا در کارهای خانه، با اهل خود نهایت همکاری را داشتند؛ تا جایی که خودشان گوسفندان را می‌دوشیدند؛ جامه و کفش خود را می‌دوختند؛ درب خانه را خود بر روی مراجعین می‌گشودند؛ شترانش را عقال می‌بستند و شیرشان را می‌دوشیدند؛ خانه را جارو کرده و وقتی خادمشان از کار آسیاب خسته می‌شد، به او کمک کرده و گندم و جو آسیاب می‌کردند.[۲۵]

پی‌نوشت‌ها:

۱. واعظی، محمدجواد، وضعیت زن در جاهلیت، تاریخ اسلام در آینه پژوهش، زمستان ۱۳۸۸، سال ششم، شماره ۴، ص ۱۳۵ - ۱۵۹.
۲. علیخانی، اعظم، حقوق زن در عصر نبوی، فرهنگ کوثر، ۱۳۸۷، شماره ۷۵.
۳. ابن سعد، الطبقات‌الکبری، بیروت، دارالکتب‌العلمیه، چاپ دوم، ۱۴۱۸ ق، ج۸، ص ۳۳۴.
۴. عسکری، سید مرتضی، احادیث ام‌المؤمنین عایشه، بی‌جا، چاپخانه نهضت، ۱۴۱۸ ق، ج ۱، ص ۲۹ تا ۳۱.
۵. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسایل‌الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البیت، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق، ج۲۱، ص ۳۶۷.
۶. ابن هشام، السیره‌النبویه، بیروت، دارالمعرفه، بی‌تا، ج۱، ص ۴۴۱.
۷. ابن سعد، الطبقات‌الکبری، ج ۸، ص ۱ تا ۹.
۸. « یا أَیهَاالنَّبِی إذا جاءَکَ‌الْمُؤْمِناتُ یبایعْنَکَ عَلی أَنْ لایشْرِکْنَ بِاللهِ شَیئاً وَ لایسْرِقْنَ وَ لایزْنِینَ وَ لایقْتُلْنَ أَوْلادَهُنَّ وَ لایأْتِینَ بِبُهْتانٍ یفْتَرِینَهُ بَینَ أَیدِیهِنَّ وَ أَرْجُلِهِنَّ وَ لایعْصِینَکَ فی مَعْرُوفٍ فَبایعْهُنَّ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللهَ إِنَّ اللهَ غَفُورٌ رَحِیمٌ»؛ ممتحنه، آیه ۱۲.
۹. ابن سعد، الطبقات‌الکبری، ج ۸، ص ۱۸۱.
۱۰. همان، ص ۱۸۰.
۱۱. طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم‌الکبیر، محقق حمدی بن عبدالمجیدالسلفی، قاهره، دارالنشر، چاپ دوم، ۱۴۱۵ ق، ج۲۵، ص ۱۳۷.
۱۲. عسقلانی، احمد بن علی بن حجر، الإصابه، محقق عادل احمد عبدالموجود و علی‌محمد معوض، بیروت، دارالکتب‌العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق، ج۸، ص ۱۳۳.
۱۳. ابن سعد، الطبقات‌الکبری، ج۸، ص ۳۳۳.
۱۴. متقی هندی، علاءالدین علی بن حسام‌الدین ابن قاضی، کنزالعمال فی سنن‌الاقوال والافعال، محقق بکری حیانی، بیروت، مؤسسه الرساله، چاپ پنجم، ۱۴۱۳ ق، ج ۱۶، ص ۳۱۳.
۱۵. واقدی، محمد بن عمر، المغازی، بیروت، اعلمی، چاپ سوم، ۱۴۰۹ ق، ج۲، ص ۶۱۳.
۱۶. صدوق، ابن‌بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، محقق غفاری علی‌اکبر و آخوندی، محمد، تهران، دارالکتب‌الإسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق، ج۶، ص ۵ و ۶.
۱۷. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسایل‌الشیعه، ج۲۱، ص ۵۱۴.
۱۸. طباطبایی، سید محمدحسین؛ المیزان، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۳۹۱ هـ ج ۴، ص ۲۵۹.
۱۹. طوسی، محمد بن الحسن، الامالی، محقق مؤسسه‌البعثه، قم، دارالثقافه، چاپ اول،۱۴۱۴ ق، النص، ص ۴۰۰.
۲۰. طبری، محب‌الدین، ذخائرالعقبی، قاهره، مکتبه‌القدسی،۱۳۵۶، ه، ص ۳۷.
۲۱. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، المحجه‌البیضاء، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ چهارم، ۱۴۱۷ ق، ج ۶، ص ۲۴۸.
۲۲. مازندرانی، ابن شهرآشوب، المناقب، قم، علامه، ۱۳۷۹ ق، ج۱، ص ۱۴۶.

چرایی بخشش فدک به حضرت زهرا(س)

بنا بر آموزه‌های اسلامی که در بین علمای شیعه و اهل سنت مورد توافق است؛ اموالی که بدون جنگ به دست مسلمانان می‌افتد «فیء» نامیده شده و ملک خالص شخص پیامبر(ص) می‌شود و اختیار آن با حضرت است تا هرگونه صلاح دید، در مورد آن تصمیم بگیرد و آن را به هر کس که خود صلاح دانست اهدا کند. اما پیامبر کسی نیست که از چنین اموالی برای دنیای خود سرمایه‌گذاری کند و یا در اختیار کسی قرار دهد که به دنبال آباد کردن دنیای خود و بچه‌هایش باشد. این بود که حضرت به دنبال فرصتی می‌گشت که بهترین تصمیم را در مورد فدک بگیرد.

فدک محلی است که در ۱۶۰ کیلومتری مدینه واقع شده است.[۱] این محل ابتدا متعلق به یهودیان بود و نخلستان‌های بسیاری داشت که به گفته برخی به اندازه نخلستان‌های کوفه بود.[۲]

بنابراین از نظر اقتصادی اهمیت فراوان داشت. یهودیان فدک با یهودیان خیبر ضدمسلمانان کارشکنی می‌کردند.

آنها عامل بسیاری از تحرکات علیه مسلمانان بودند، از جمله مشرکان مکه را تحریک کردند و جنگ احزاب را رقم زدند. پس از صلح حدیبیه، به دلیل آتش‌بس ده ساله، بین مسلمانان و مشرکان مکه، یهودیان دیگر نمی‌توانستند مشرکان را تحریک کنند، بنابراین خود اقدام به مقابله کردند و با ساماندهی نیروهای خود قصد حمله به مدینه را داشتند که مسلمانان پیش از حمله آنها، در اقدامی پیش‌دستانه خیبر را تصرف کردند. یهودیان فدک که شکست خیبریان را دیدند و مشاهده کردند که آنها با آن‌همه عظمت شکست خوردند، ادامه جنگ را به صلاح ندانستند و بدون ایجاد درگیری خدمت پیامبر(صلی الله علیه و آله) رسیده و تسلیم شدند. بنابراین برخلاف خیبر، فدک بدون جنگ و درگیری فتح شد و آنها صلح‌نامه‌ای نوشتند.[۳]

فدک، ملک شخصی پیامبر(ص)

بنا بر آموزه‌های اسلامی که در بین علمای شیعه و اهل سنت مورد توافق است؛ اموالی که بدون جنگ به دست مسلمانان می‌افتد «فیء» نامیده شده و ملک خالص شخص پیامبر(ص) می‌شود و اختیار آن با حضرت است تا هرگونه صلاح دید، در مورد آن تصمیم بگیرد و آن را به هر کس که خود صلاح دانست اهدا کند.[۴] اما پیامبر کسی نیست که از چنین اموالی برای دنیای خود سرمایه‌گذاری کند و یا در اختیار کسی قرار دهد که به دنبال آباد کردن دنیای خود و بچه‌هایش باشد. این بود که حضرت به دنبال فرصتی می‌گشت که بهترین تصمیم را در مورد فدک بگیرد. تا اینکه آیه «وَآتِ ذَاالْقُربی حَقَّه»[۵] نازل شد.

بسیاری از مفسران شیعه و اهل سنت در تفسیر این آیه نوشته‌اند هنگامی که این آیه نازل شد پیامبر(ص) فدک را به دختر گرامی‌شان حضرت زهرای مرضیه(س) بخشیدند.[۶]

به گواهی تاریخ در عهد رسول خدا، فدک در اختیار حضرت فاطمه بود و کشاورزان، باغداران و کارگران از سوی ایشان در فدک به کار مشغول بودند.[۷]

این بخشش بهترین کاری بود که پیامبر در مورد این زمین می‌توانست انجام دهد؛ زیرا زمین در اختیار کسی قرار می‌گرفت که لباس عروسی خود را آن هم در شب عروسی به فقیر بخشیده بود؛ بدین معنی که در آن شب، فقیری بر در خانه حضرت آمد و اظهار نیاز کرد و گفت: ای اهل خانه! گرسنه و عریانم! به من غذا داده و لباسی برای پوشیدن به من بدهید. زهرای مرضیه از غذای عروسی برای آن فقیر کنار گذاشت و لباس جدید خود را از تن بیرون آورد و همان لباس قدیمی را بر تن کرد و غذا و لباس را به فقیر بخشید و آنگاه فرمود: «لَنْ تَنالُواالْبِرّ حَتّی تُنْفِقُوا مِمّا تُحِبّونَ»؛[۸] به نیکی نمی‌رسید، مگر زمانی که از آنچه دوست دارید، انفاق کنید.»[۹]

در بیماری امام حسن و امام حسین(ع) فاطمه زهرا(س)، امیرالمؤمنین علی(ع) و فضه نذر کردند که اگر آن دو عزیز بهبود پیدا کردند، روزه بگیرند. بچه‌ها بهبودی یافتند و اثری از کسالت باقی نماند. هنگام افطار، برای سه شب متوالی سائل، یتیم و اسیری آمدند و اهل بیت با آنکه روزه بودند و به جز افطار چیز دیگری در خانه نداشتند افطار خود را به آنها دادند و خود با آب روزه‌شان را باز کردند. در این هنگام جبرئیل با سوره دهر بر آن حضرت نازل شد.

کسی که این‌گونه انفاق و بلکه بالاتر ایثار می‌کند، آیا معقول است فدک را صرف هزینه‌های شخصی کند؟ فاطمه زهرا دختر همان بانوی متمکنی است که تمام ثروت خود را صرف اسلام کرد؛ و در اوضاع اسفناک اقتصادی که بنی‌هاشم با رنج‌های فراوانی مواجه شدند این دارایی‌های حضرت خدیجه بود که از شکست حتمی آنان جلوگیری کرد؛ زیرا برای حضرت خدیجه(ع) در درجه اول دین و امور معنوی اهمیت داشت و بذل مال برای جلوگیری از فروپاشی دین و تثبیت آن، هدر دادن مال محسوب نمی‌شد، زیرا به دارایی دنیوی به عنوان فرصتی برای توشه اخروی می‌نگریستند.

به گواهی تاریخ در عهد رسول خدا، فدک در اختیار حضرت فاطمه بود و کشاورزان، باغداران و کارگران از سوی ایشان در فدک به کار مشغول بودند.

حبس مال و عدم انفاق آن در این مسیر از نظر این بانوی بزرگ اسلام کاری بسیار ناجوانمردانه به شمار می‌رفت.[۱۰]

بدیهی است سیره حضرت زهرا نیز همین بود. حضرت پیش از این با هدیه لباس عروسی خود قله ایثار را فتح کرده بود و هنگامی که پیامبر در مورد آن لباس جویا شدند، استناد به روش مادرشان حضرت خدیجه کردند.[۱۱] پیش از آن مشرکین مکه به تصور اینکه اگر بنی‌هاشم را در تحریم اقتصادی قرار دهند شیرازه رسالت محمدی ازهم گسسته خواهد شد، در دارالندوه اجتماع کرده و پیمانی ننگین را نگاشتند تا هرگونه معامله و دادوستد با بنی‌هاشم را منع کنند.[۱۲] اتفاقاً خوف دستگاه خلافت نیز این بود که با صرف کل دارایی‌های حضرت، آبِ رفته به جوی برگردد، از این رو آنان که تجربه حضرت خدیجه(س) را داشتند به پاک کردن صورت‌مسئله و مصادره اموال روی آوردند و اقدام به غصب فدک کردند.[۱۳]

پی‌نوشت‌ها:

۱. حموی، یاقوت بن عبدالله، معجم‌البلدان، بیروت، دار صادر، چاپ دوم، ۱۹۹۵ میلادی، ج ۴، ص ۲۳۸
۲. شرح نهج‌البلاغه، ابن ابی‌الحدید، (م ۶۵۶ ق)، انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۲۳۶
۳. طبری، تاریخ‌الأمم والملوک، أبو جعفر محمد بن جریرالطبری (م ۳۱۰)، تحقیق محمد أبوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالتراث، طالثانیه، ۱۹۶۷/۱۳۸۷، ج ۳، ص ۱۵؛ الکامل فی‌التاریخ، عزالدین أبوالحسن علی بن ابی‌الکرم‌المعروف بابن‌الأثیر (م ۶۳۰)، بیروت، دار صادر- دار بیروت، ۱۹۶۵/۱۳۸۵. ج ۲، ص ۲۲۵؛ حموی، یاقوت بن عبدالله، معجم‌البلدان، ۱۹۹۵ م، ج ۴، ص ۲۳۸؛
۴. رازی، فخر، محمد بن عمر، مفاتیح‌الغیب، دار احیاءالتراث، ۱۴۲۰ ق، چاپ سوم، ج ۲۹، ص ۵۰۶؛ علامه طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۹، ص ۲۰۳.
۵. سوره اسراء، آیه ۶۲.
۶. مجمع‌البیان، طبرسی، فضل بن حسن، تهران، ناصرخسرو، ۱۳۷۲ ش، ج ۸، ص ۴۷۸؛ درالمنثور، سیوطی، جلال‌الدین، دارالمعرفه للطباعه والنشر، بیروت، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۵۸؛ ج ۵، ص ۲۷۳؛ شواهدالتنزیل، حاکم حسکانی، عبدالله، مؤسسه‌الطبع والنشر، تهران، ۱۴۱۱ ق، ص ۲۶۲.
۷. شیخ طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، نشر مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ ق، چاپ اول، ج ۱، ص ۹۱
۸. آل عمران، آیه ۹۲
۹. صفوری (م ۸۹۴ ق)، عبدالرحمن بن عبدالسلام، نزهه‌المجالس و منتخب‌النفائس، مصر، المطبعه‌الکاستلیه، ۱۲۸۳ ق، ج ۲، ص ۱۷۵؛ شوشتری (م ۱۰۱۹)، قاضی نورالله، إحقاق‌الحق ، قم، مکتبه آیت‌الله المرعشی‌النجفی، چاپ اوّل، ۱۴۰۹ ق، ج۱۰، ص ۴۰۱.
۱۰. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان، بیروت، مؤسسه‌الاعلمی، چاپ دوم، ۱۳۹۰ ق، ج ۲۰، ص ۱۲۶؛ زمخشری، محمود، الکشاف، قم، نشرالبلاغه، ۱۴۱۵ ق، ج ۴، ص ۶۷۰.
۱۱. ریاحین‌الشریعه، محلاتی، ذبیح‌الله، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۹۶ ش، ج ۱، ص ۷۲.
۱۲. سیره ابن هشام، عبدالملک بن هشام‌الحمیری‌المعافری (م ۲۱۸)، السیره‌النبویه، تحقیق مصطفی‌السقا و ابراهیم‌الأبیاری و عبدالحفیظ شلبی، بیروت، دارالمعرفه، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۵۴.
۱۳. شیخ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب‌الاسلامیه، ۱۳۶۱ ش، ج ۱، ص ۵۴۳؛ شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، المقنعه، قم، مؤسسه النشرالاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق، شیخ، صص ۲۸۹ و ۲۹۰.

*مصطفی محسنی

حضرت فاطمه(س) و دغدغه حجاب

حضرت زهرا(س) وقتی در اجتماع حضور پیدا می‌کرد حجاب کاملی رعایت می‌کرد. مثلاً در روایات چنین نقل‌شده است: وقتی می‌خواست به طرف خانه پدرش از منزل خود خارج شود، چادرش را سر کرد و روبندش را انداخت و به طرف منزل پیغمبر حرکت نمود.

دین اسلام، آخرین دین الهی است و تا پایان جهان، آموزه‌های آن باید به عنوان مبنای عقیده و عمل انسان‌ها قرار بگیرد. از سوی دیگر چون این دین کامل‌ترین دین است؛ پس کامل‌ترین احکام و معارف را در زمینه‌های مختلف عرضه کرده است. حجاب به عنوان یکی از معارف اسلامی، در آیات و روایات دارای نظام و اصول کلی و ثابتی است.

معصومان(ع) از جمله حضرت فاطمه(س) توصیه‌هایی در این زمینه دارند که می‌تواند الگو و راهکار مناسب برای بانوان باشد، در ادامه برخی از روایاتی که دیدگاه و سخنان این بانوی بزرگوار در مورد حجاب را بیان می‌کند ارائه خواهد شد.

۱. قرار نگرفتن در دید نامحرم

یکی از توصیه‌های حضرت زهرا(س) در موضوع حجاب این است که بانوان خود را در دید نامحرم قرار ندهند. از امیرمؤمنان(ع) نقل شده است که فرمودند:روزی همراه گروهی در محضر رسول خدا (صلی‌الله علیه و آله) نشسته بودیم. آن حضرت به ما رو کرد و فرمود: «بهترین کار برای زنان چیست»؟ هیچ‌کدام از حاضران نتوانستند جواب صحیح بدهند. هنگامی که متفرّق شدند، من به خانه بازگشتم و همین موضوع را از حضرت زهرا(س) پرسیدم و ماجرای سؤال پیامبر و پاسخ صحیح ندادن اصحاب را برای حضرت زهرا تعریف کردم و گفتم هیچ یک از ما نتوانستیم پاسخ صحیح بدهیم. حضرت زهرا فرمودند: «خَیرٌ لِلنِّساءِ اَنْ لایرَینَ الرِّجالَ وَلایرَاهُنَّ الرِّجالُ؛ صلاح زنان در آن است که آنها مردان نامحرم را نبینند و مردان نامحرم هم آنها را نبینند.»

من به محضر رسول خدا بازگشتم و عرض کردم: «ای رسول خدا! از ما پرسیدی که چه کار برای زنان برتر است، پاسخش این است که برترین کار برای زنان این است که آنها مردان نامحرم را نبینند و مردان نامحرم هم آنها را نبینند.» پیامبر اکرم وقتی شنیدند که این سخن حضرت زهرا است خشنود شدند و فرمودند: «إِنّ فاطِمَهُ بَضْعَهٌ مِنّی؛ همانا فاطمه، پاره تن من‌است.»[۱]

۲. پوشش کامل در مقابل نامحرم

حضرت زهرا (س) علاوه بر توصیه بانوان به حفظ حجاب و دوری از نامحرم، خود نیز در پوشش دقت به خرج داده و از حجابی کامل بهره می‌بردند.[۲] به‌عنوان مثال فضیل بن یسار از امام باقر(ع) این‌گونه نقل کرده است: فَاطِمَهُ سَیّدَهُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنّهِ وَ مَا کَانَ خِمَارُهَا إِلّا هَکَذَا وَ أَوْمَأَ بِیَدِهِ إِلَی وَسَطِ عَضُدِهِ؛[۳] فاطمه سرور زنان بهشت است و مقنعه او تا این‌جا بود و (امام) با دست تا وسط بازو را نشان داد. بنابراین مقنعه بلند، پوششی بود که حضرت از آن استفاده می‌کرد. البته باید دانست که مقنعه مذکور، تنها قسمتی از حجاب سرتاسری مورد استفاده آن حضرت بوده و پوشش ایشان به خصوص در حضور نامحرمان بسیار کامل‌تر از این بوده است.همچنین در برخی روایات تصریح شده که حضرت زهرا(س) در مقابل نامحرم چادر می‌پوشیدند.[۴] در احادیث آمده که حضرت علاوه بر پوشش‌های بیان‌شده، از پوشیه (نقاب) نیز استفاده می‌کردند.[۵]

۳. حفظ حجاب در بیرون منزل

چگونگی حضور بانوان در بیرون از منزل خیلی مهم است. حضرت زهرا وقتی در اجتماع حضور پیدا می‌کرد حجاب کاملی رعایت می‌کرد مثلاً در روایات چنین نقل‌شده است:
فَتَجَلْبَبَتْ بِجِلْبابِها وَتَبَرْقَعَتْ بِبُرْقَعِها وَأَرادَتِ النَّبِیَّ (صلی الله علیه و آله)؛[۶] وقتی می‌خواست به طرف خانه پدرش از منزل خود خارج شود، چادرش را سر کرد و روبندش را انداخت و به طرف منزل پیغمبر حرکت نمود.

۴. داشتن دغدغه حجاب

با بررسی سخنان حضرت فاطمه(س) مشخص می‌شود که ایشان همیشه دغدغه حجاب داشتند. حضرت در آخرین روزهای زندگی در وصیتی چنین سفارش کرده‌اند:

من این عمل را زشت می‌دانم که یک پارچه روی جنازه زنان می‌اندازند زیرا هرکسی از حجم و وصف آن جنازه آگاه می‌شود.

اسماء عرض کرد: ای دختر رسول خدا! من نظیر آن تابوتی را که در سرزمین حبشه دیده‌ام، به تو نشان می‌دهم. آنگاه فرستاد تا شاخه‌های تازه خرما آوردند و او تابوتی نیکو ساخت و یک پارچه روی آن انداخت.

حضرت زهرا فرمودند:

چقدر این تابوت خوب است، زیرا جنازه‌ای که در میان آن باشد تشخیص داده نمی‌شود که جنازه زن یا جنازه مرد است.[۷]

پی نوشت‌ها:

۱. اربلی، علی بن عیسی، کشف‌الغمه، ج۱، ص ۴۶۶.
۲. ابن‌بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره‌الفقیه، ج۱، ص ۲۵۷، ح ۷۸۹.
۳. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم‌الأخلاق، ص ۹۳.
۴. طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج، ج۱، ص ۹۸.
۵ و۶. ابن‌بابویه، محمد بن علی، علل‌الشرائع، ج۱، ص ۱۶۳، ح ۲.
۷.اربلی، علی بن عیسی، کشف‌الغمه، ج۱، ص ۵۰۴.

* مرکز ملی پاسخگویی به سؤالات دینی

سنت عقوبت و مکافات خدا

هیچ تردیدی در تأثیر اعمال انسان در اوضاع این کائنات نیست. دنیا با سنت‌هایی اداره می‌شود که بر اساس اراده حکیمانه وضع شده‌اند، مثل اینکه فرموده است:

من زَنا زُنی به؛ اگر با ناموس مردم زنا کنی زنا در خانواده یا نسل تو اتفاق می‌افتد و مردم با ناموست زنا می‌کنند و مثل: من غَشّ غُشّ به؛ اگر سر کسی کلاه بگذاری حتماً زمانی سرت کلاه خواهد رفت و مثل: و لا یحیق مکرالسیّء الا باهله؛ (فاطر، ۴۳) یعنی اگر برای کسی چاهی بکنی خود در آن می‌افتی. امروزه از نظر علمی ثابت شده که ممکن است آن طرف دنیا پروانه‌ای پر بزند و موجب فعل و انفعالاتی در این طرف عالم شود. به تعبیر شاعر:

اگر یک ذره را برگیری از جای
خلل یابد همه عالم سراپای
(شیخ محمود شبستری)

تردیدی در صحت این گزاره نیست که گناه و معصیت از جمله بی‌عفتی و بی‌حجابی و ظلم و ستم جایی در خلقت ندارد و موجب نزول بلا و چموشی اجزای عالم است، همچنان‌که درباره قضاوت‌های ظالمانه محاکم از قول امام صادق(ع) آمده: فی مثل هذاالقضاء و شبهه، تحبس‌السّماء ماءها و تمنع‌الارض برکات‌ها، این‌گونه قضاوت‌ها سبب می‌شود که از آسمان رحمت الهی نبارد و زمین برکاتش را باز دارد. (وسائل‌الشیعه»، ج ۱۳، ص ۲۵۶)

این گزاره کاملا برهانی است که هر کس به قانون قانون‌گذار دهن کجی و استهزاء بکند در نظر قانون‌گذار، عزیز نمی‌شود بلکه قطعاً مبغوض او می‌گردد.

در روز قیامت اشخاص مجرم از خودشان بدشان می‌آید، به آنها خطاب می‌شود هر مقدار که شما از خودتان بدتان بیاید خداوند بیشتر از آن از شما عصبانی است: لمقت الله اکبر من مقتکم انفسکم(غافر، ۱۰)

عقوبت پیچیده خدا برای ظالمان

با این حال باید توجه کرد که این اقتضاء، اقتضای یک سنت از سنت‌های آفرینش است. استدراج و استمهال، سنتی دیگر از سنت‌های بسیار خطرناک این عالم است یعنی گاهی خداوند عمداً در این دنیا فرد خاطی را عقوبت نمی‌کند تا کافر هر چه بیشتر در فساد غوطه‌ور و به عذابی وحشتناک‌تر مستحق شود. همچنان‌که خداوند فرموده: وَلَا یَحْسَبَنَّ الَّذِینَ کَفَرُوا أَنَّمَا نُمْلِی لَهُمْ خَیْرٌ لِأَنْفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمْلِی لَهُمْ لِیَزْدَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُهِینٌ؛ آنها که کافر شدند (و راه طغیان پیش گرفتند)، تصور نکنند اگر به آنان مهلت می‌دهیم، به سودشان است! ما به آنان مهلت می‌دهیم فقط برای اینکه بر گناهان خود بیفزایند؛ و برای آنها، عذاب خوارکننده‌ای (آماده شده) است! (آل عمران، ۱۷۸)

و باز فرموده: الَّذِینَ کَذَّبُوا بِآیَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَیْثُ لَا یَعْلَمُونَ وَأُمْلِی لَهُمْ إِنَّ کَیْدِی مَتِینٌ؛ و آنها که آیات ما را تکذیب کردند، به تدریج از جائی که نمی‌دانند، گرفتار مجازاتشان خواهیم کرد.(آل عمران،۱۸۲)

گاهی خداوند به خاطر نافرمانی بنده‌اش خود زمینه را برای شقاوت بیشتر او به صورت تدریجی فراهم می‌کند و نمی‌گذارد با شکست و گرفتاری متوجه خطای خود شود و این عقوبتی بسیار پیچیده است، همچنان که در قرآن فرمود: سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَیْثُ لَا یَعْلَمُونَ وَأُمْلِی لَهُمْ إِنَّ کَیْدِی مَتِینٌ؛ ما آنان را از آنجا که نمی‌دانند به تدریج به سوی عذاب پیش می‌بریم؛ و [البته] آنان را مهلت می‌دهم [تا گناهشان را در حال بی‌خبری به نهایت برسانند]، بی‌تردید نقشه و تدبیر من استوار است.(قلم، ۴۴و۴۵)

یعنی تدریجاً آنها را به طرف شقاوت ابدی می‌بریم به گونه‌ای که خود متوجه نشوند و به آنها در برابر کارهای خلافی که می‌کنند مهلت می‌دهیم و این‌گونه آنها را به کیدی شکست‌ناپذیر گرفتار می‌سازیم.

در روایت است که شاگرد امیرالمؤمنین(ع) هنگام نشستن، زمین خورد و سرش شکست. امیرالمؤمنین فرمود: این به جهت ترک بسم‌الله هنگام نشستن بود. بعضی‌ها را این‌گونه تحت مراقبت و عنایت و تذکر نگه می‌دارند و بعضی را به خود وا می‌گذارند و مبغوض‌ترین بنده نزد خدا کسی است که خداوند او را به خود واگذار کرده است.

*آیت‌الله سیدحسن عاملی